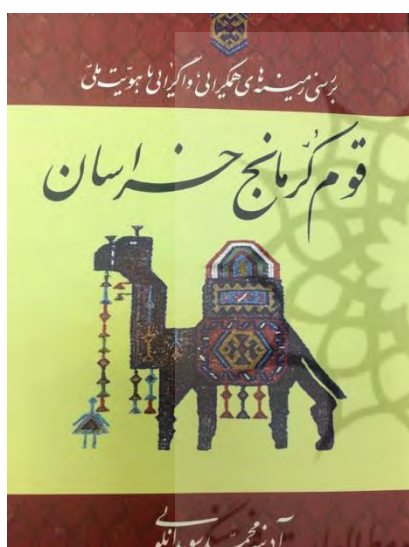


بررسی زمینه‌های همگرایی، واگرایی با هویت ملی

قوم کرمانج خراسان

سیده محبوبه سبز پیشخانی<sup>۱</sup>



نویسنده: آدینه محمد سویدانلویی

ناشر: بیژن یورد

نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

صفحات: ۱۴۵ صفحه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

کتاب «بررسی زمینه‌های همگرایی، واگرایی با هویت ملی قوم کرمانج خراسان» اثر آدینه محمد سویدانلویی است. نویسنده کتاب، عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی معلمان خراسان رضوی، از نیمه سال ۱۳۹۳ در دولت دوازدهم عهده‌دار سمت مدیرکلی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان شمالی بوده است. انتشار این اثر پژوهشی با توجه به حیطة مسؤولیت وی حساسیت و ظرفیت‌های میراث فرهنگی و توسعه اجتماعی و فرهنگی استان اهمیتی در خور دارد.

این کتاب، شرح مختصری در باب حضور تاریخی، روند حیات و فراز و فرودهای قوم کرمانج خراسان است که موضوع پژوهش رساله پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده

۱. کارشناسی ادیان و عرفان. رایانامه: Sm19sp67@gmail.com

## ۲۱۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

با عنوان «بررسی زمینه‌های هم‌گرایی - واگرایی قوم کرمانج با هویت ملی، مطالعه موردی استان‌های خراسان رضوی و شمالی (۱۳۹۰-۱۳۵۷)» در گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد بوده است.

کتاب مورد بررسی در چهار فصل تنظیم شده است: در فصل اول به کلیات اشاره شده است؛ از جمله اینکه میان هویت قومی در یک جامعه چندقومیتی با هویت ملی و کلی آن جامعه رابطه وجود دارد.

استان‌های خراسان رضوی و شمالی، محل سکونت مجموعه‌ای از اقلیت‌های قومی و مذهبی است. کرمانج‌ها، یکی از اقوام پرشمار جمعیتی این دو استان به شمار می‌آیند که بیشتر در خراسان‌شمالی سکونت دارند و متمرکزند و از شهرستان‌های راز و جرگلان و مانه و سلمقان در غربی‌ترین نقطه خراسان از یک سو، تا مشهد و شهرستان‌های کلات نادر و درگز در طول مرز جغرافیایی با کشور ترکمنستان از سوی دیگر، گسترده شده‌اند. لفظ کرمانج در خراسان رضوی و شمالی، هم به چادرنشینان کرمانج‌زبان و در مفهوم عام‌تر به کردهایی که گویش کرمانجی دارند، اطلاق می‌شود.

کرمانج‌ها از جمله اقوام ایرانی هستند که وطن‌دوستی و میهن‌پرستی را همواره برای خود امتیازی ویژه دانسته‌اند. این ویژگی برای کردهای خراسان از دیرباز از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ در واقع مهم‌ترین دلیل کوچ آنها از غرب به شرق و واگذاری مسئولیت مرزداری و دفاع از تمامیت ارضی و هویت ملی نیز همین ویژگی وطن‌دوستی است.

از جنبه‌های دیگر همجواری استان‌های خراسان با دو کشور افغانستان و ترکمنستان که جزو مناطق بحران‌خیز به شمار می‌آیند و نیروهای خارجی مداخله‌جو را در خود جای داده‌اند، امکان بالقوه فراهم بودن زمینه سوءاستفاده قدرت‌های خارجی از حساسیت‌های قومی در منطقه است. بنابراین توجه به تهدیدات احتمالی ناشی از آن در زمینه‌های مختلف، از جمله واگرایی در هویت ملی و به خطر افتادن امنیت ملی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگرچه کرمانج‌ها تا کنون همواره با حفظ هویت ملی، مدافع وحدت و یکپارچگی سرزمین خود در عمل و نظر بوده‌اند، اما از آنجا که احتمال بروز شکاف‌های قومی و فرهنگی از شاخص‌های عمده امنیت استان‌های خراسان

## بررسی زمینه‌های همگرایی، واگرایی با هویت ملی ❖ ۲۱۵

رضوی و شمالی به شمار می‌رود، در نتیجه امنیت استان‌های خراسان رضوی و شمالی نیز به احتمال واگرایی هویت قومی از هویت ملی گره خورده است. با عنایت به اینکه کرمانج‌ها به عنوان یک خرده‌فرهنگ در استان‌های خراسان رضوی و شمالی حضور دارند و با توجه به حضور خرده‌فرهنگ‌های دیگر در این دو استان و پررنگ شدن برخی مؤلفه‌های هویت قومی در میان کرمانج‌ها، بررسی شرایط و جایگاه این قوم در این دو استان برای فهم شرایط سیاسی - فرهنگی منطقه از اهمیت فراوان برخوردار است.

هدف اساسی این کتاب بررسی زمینه‌ها و عواملی عنوان شده است که بر همگرایی و واگرایی کرمانج‌ها در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ در استان‌های خراسان رضوی و شمالی تاثیرگذار بوده‌اند. در ادامه نیز با وجود کمی منابع در این زمینه، به تعدادی از آثار، اعم از کتاب و مقاله اشاره شده است.

در فصل دوم، نویسنده به پیشینه و چارچوب نظری می‌پردازد. در این فصل نویسنده به نظریه‌های ساختارگرایی، کارکردگرایی و ساختار کارگزار می‌پردازد و دیدگاه‌های نظری در باب قومیت و همبستگی‌های قومی را بیان می‌کند. در ادامه به رویکرد ازلی‌انگاران (وجود قومیت و ملت‌ها از ازل) اشاره می‌کند. سپس در ادامه به مفاهیم ابزارگرایان، نمادپردازان قومی، نظریه نوسازی، دیدگاه مارکسیستی، نظریه استعمار داخلی هشتاد و نه (۱۹۷۵)، نظریه همبستگی قومی بر مبنای «رقابت منتشر» و نظریه فرانسیس نیلسون و دانیل بل می‌پردازد.

در پایان این بخش، نویسنده با توجه به منابع نظری ذکر شده، چهارچوب ترکیبی را مطرح و استنباط می‌کند که قوم‌گرایی و همبستگی قومی پدیده‌ای اجتماعی است که با عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در دو سطح خرد و کلان درگیر است. در واقع شبکه‌ای از عوامل درهم پیچیده بر این متغیر اثر می‌گذارند. بنابراین مدلی علی - تک‌خطی نمی‌تواند تبیین‌کننده قوم‌گرایی و چگونگی همبستگی‌های قومی باشد. چنانچه اگر بخواهیم تنها با تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی به تبیین قوم‌گرایی بپردازیم، نمی‌توان رابطه قطعی ساده‌ای مبنی بر اینکه فرهنگ، تنها به سبب خودش موجب ایجاد همبستگی‌های قومی است، بیابیم؛ چرا که در برخی گروه‌های

## ۲۱۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

چندفرهنگی شاهدیم که تمامی گروه‌ها در یک بستر و زمینه اجتماعی با یکدیگر گرد می‌آیند، در صورتی که در برخی دیگر از گروه‌ها تنها به واسطه یک تمایز عینی کوچک، تعارض‌ها و تشکل‌های عدیده‌ای را می‌توانیم مشاهده کنیم. بنابراین آنچه بیشتر از تعین‌های فرهنگی بر ایجاد قوم‌گرایی و همبستگی‌های قومی مؤثر است، زمینه‌های موقعیتی است که خودآگاهی‌های قومی را تعیین می‌کند و موجب گزینش قومیت به‌عنوان مبنای هویتی فرد و همبستگی اجتماعی وی می‌شود.

در فصل سوم این کتاب، نویسنده به پیشینه سیاسی، دلایل حضور کرمانج‌ها و ساختار قومی آن می‌پردازد و در ابتدا با ذکر پیشینه تاریخی استان خراسان اظهار می‌دارد که خراسان بزرگ در طول تاریخ پرحادثه خویش، همواره نظاره‌گر ورود اقوام، یورش‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها، کامیابی‌ها و تلخ‌کامی‌ها و همچنین ظهور یا نابودی اقوام گوناگون بوده است. موقعیت ویژه و منابع فراوان باعث شده است خراسان از دو طرف مورد توجه واقع شود. اقوام ترک از مناطق شرقی و اقوام عرب از مناطق غربی، در طول زمان در این منطقه (خراسان) ساکن شدند و ترکیب سه‌گانه‌ای را در این مناطق ایجاد کردند. در یک تقسیم‌بندی کلی، واردشدگان به قلمرو ایران از دروازه خراسان را می‌توان به سه گروه مهاجر، مهاجم و مهاجران مهاجم تقسیم کرد. مهاجرت آریایی‌ها، اقوام عرب و مهاجرت توأم با یورش گروه‌های مختلف ترک، مغولان، تاتار، قرقیز، قزاق، ازبک و ترکمان نمونه‌های بارزی از اقوام وارد شده به استان خراسان هستند و حتی ریشه‌هایی از قوم عرب در مناطق جنوبی دیده می‌شوند که همگی آنها بر روند تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی بافت فرهنگی این خطه تأثیر شگرفی داشته‌اند.

در ادامه این فصل، اوضاع جغرافیایی استان خراسان رضوی و استان خراسان شمالی بررسی شده، سپس وضعیت پراکندگی اصلی‌ترین شاخه‌های قومی در این دو استان و وضعیت توزیع و پراکندگی جمعیت ترک‌ها، کردها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها و عرب‌ها مطرح گردیده است. در پایان نیز پیشینه سیاسی و دلایل حضور قوم کرمانج‌ها در خراسان و علل و چگونگی مهاجرت کردها به خراسان در روزگار شاه عباس مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲۱۷ ❖ بررسی زمینه‌های همگرایی، واگرایی با هویت ملی

در فصل چهارم، نویسنده به تبیین همگرایی - واگرایی قوم کرمانج با هویت ملی و سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰ - ۱۳۵۷) می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در ایجاد جنبش‌ها و هویت‌های ملی قومی، نخبگان قومی هستند. از آنجا که سیاست قومی در ایران پیوسته همانندسازی بوده است، شدت و ضعف این سیاست در دوره‌های مختلف و تحت تاثیر عوامل داخلی مانند تغییر دولت‌ها، عامل مهمی در این پژوهش به حساب می‌آید. مارتین ماجر براساس واقعیت‌های موجود، سه الگوی سیاستگذاری قومی را معرفی می‌کند که انتخاب هر یک از این الگوها براساس فرهنگ و تطور تاریخی و محدوده جغرافیایی هر کشور مشخص می‌شود. این سه الگو به قرار زیر است:

سیاست همانندسازی، سیاست تکثرگرایی تساوی‌طلب، سیاست تکثرگرایی نابرابر. نویسنده پس از توضیح هر یک از سیاست‌های فوق به رویکرد چند فرهنگ باوری، رابطه بین هویت ملی و هویت قومی، واگرایی، عوامل داخلی و واگرایی، عوامل بین‌المللی و واگرایی، همگرایی، تقویت هویت ملی، حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی و تعادل اجتماعی می‌پردازد. سپس با تبیین زمینه‌های همگرایی با عناوین دین و مذهب، آداب و رسوم، تعامل با دیگر بخش‌های کشور و پیوندهای تاریخی و سرزمینی، زمینه‌های واگرایی را با عناوینی همچون نخبگان قوم‌گرا، احساس محرومیت نسبی، نقش قدرت‌های خارجی، توسعه نامتوازن و توسعه سیاسی مطرح می‌کند.

در پایان این بخش، سیاست قومی، همگرایی و واگرایی کرمانج‌ها با هویت ملی به همراه عناوینی همچون دوره وضعیت انقلابی (۱۳۵۹-۱۳۵۷)، دوره جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹)، دوران بازسازی و سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۷)، دوره جامعه مدنی و حق شهروندی (۱۳۸۴-۱۳۷۶) و دوره گفتمان عدالت‌محوری و مهرورزی (۱۳۹۲-۱۳۸۴) توضیح داده می‌شود.



پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ

## The Role of IRIB Tv Programs on the Pattern of Religious Identity

By: Nasim Majidi, M. A & Amirmasoud Amirmazaheri, ph. D.

### Abstract

This research aims to study the role of Islamic republic of Iran TV programs creating a template religious identity (undergraduate Faculty of Social Science and Psychology, Islamic Azad University of Tehran from 1393 to 1394 input center). This study aims to investigate the role of Islamic Republic of Iran TV programs to create a template religious identity, the typology (age, sex, occupation), to evaluate the learning of religious pattern on TV and TV synergistic effect in the creation of religious identity in student the population is investigated. This study was a survey that was conducted using census of all 443 student. The data were collected by questionnaire before filling the main questionnaire of 35 Cranach's reliability and analytical level of two-dimensional tables, with the mean and standard deviation, variance analysis, Spearman correlation coefficient test, Cramer's coefficient was used to measure and test the hypothesis. Test result showed that the whatever the use, interest and motivation of religious TV programs and series are also increasing rise in religious emulate operating and between check individual characteristics in gender, men are more religious than women and are modeled in terms of age and occupational segregation and religious identity of the television model, there is no significant relationship.

**Key Terms:** Religious, TV programs, pattern religious identity, motives of TV programs, interest in religious programs.

## A Review on one of Rumi's Verses about Mystical Anthropology

By: Mohammad Mehdi Esmaeelpour, Ph.D.

### Abstract

The history of anthropology as a science dates back to the time when the Creator created human beings as a complex being to complete the process of creation and blew His soul to such a creature. In the course of time, anthropology has become one of the most important sciences and human knowledge focused on by religious and non-religious schools of thought and it has evolved to the point that in contemporary psychology, the fate and form of one's life is considered to be the reflection of his thoughts and his mental actions and reactions. Because of their unique divine characteristics, humans are at the spotlights in theoretical mysticism since the very features make them distinct from other creatures including the angels. Therefore, in the mystical anthropology, some levels and status have been considered for humans and consequently Rumi in one of his poems says "The father of mankind, who is the lord of He (God) taught (Adam) the Names, hath hundreds of thousands of sciences in every vein". As Rumi asserts God taught divine name to Adam so as that the window of understanding reality of objects to open up for him and an opportunity is given to him to become the perfect human. The present study reviews this verse of Rumi to shed some lights on mystical anthropology.

**Key terms:** Rumi, Masnavi, mystical anthropology, perfect human, Islamic mysticism.



## **Nowrooz from the perspectives of travelogue writers during Safavid and Qajar Dynasties**

**By: Alireza Darabi, M.A**

### **Abstract**

The beginning of the new year is marked in all of the countries. The manner and time of such commemoration enjoys certain characteristics that undergo changes over the centuries. One of these ceremonies is Nowrooz which is important not only for Iranians but also for nations whose countries were part of ancient Persia and their cultural and language were influenced and ruled by Persians. Historically-speaking, there are various views about celebrations of new year in terms of organization, timing and contents. Since the arrival of orientalist and western travelers in Iran, they began to write travelogues. Although some of these travelogues were private notes and some of them were written for political and espionage purposes, they contained valuable information in terms of anthropology and folklore. Therefore, they present good information. Most of the travelers have written extensively about Nowrooz festivities in their travelogues. With a historical and descriptive orientation, the present study tries to compare Nowrooz festivities during Safavid and Qajar dynasties.

**Key terms:** Iran, Nowrooz, travelogues, travelers, folklore.

## A Review on Kurdish Lullabies

By: Nashmil Maroofpoor, M.A

### Abstract

The present study intends to analyze themes and contents of Kurdish lullabies from an anthropological perspective and to review hidden functions of lullabies and the status of women in relation to lullabies. To conduct the research, the qualitative discourse analysis was applied. The studied documents were codified in three categories containing relevant items each. The statistical population covers 12 Kurdish lullabies in Surani dialect. The purposeful sampling or criterion-reference method was practiced. These lullabies were selected from a famous book of Kurdish lullabies titled Zhane-Zhin. Results show that lullabies as a certain type of female songs in vocal literature of Kurds not only are used as lullabies to make babies sleepy but also they have hidden functions. According to their themes and messages, these lullabies function as individual-social channel of communications for mothers, between mothers and babies and between them and their immediate societies.

**Key terms:** Discourse analysis, folk songs, Kurds, Soorani dialect, lullaby.

## Children Song Games

By: Nahid Jahazi, M.A

### Abstract

The present study firstly defines games and then introduces folk songs. Undoubtedly, folk songs play a vital role in the growth of fledgling children. These songs contain various themes. According rhymes and themes, songs are categorized into three types songs of counts, song games, stories. This article reviews the song games which is a combination of songs and games. Song games are of different types. Some of song games are meaningless, some are related to counting abilities, some focus on choosing partners for games and some of these song games describe animals and objects. These song games focus on dramatic performance, vocal interaction, hobbies, labor relations and other functions. The most important features of song games include strengthening vocal capabilities, understanding music and rhythm, fortifying discursive abilities and solidifying concentration skills and emotional intelligence. Some of the song games are individual ones but others are group games. Most of song games are played without any special tools and they are dialogue-based rather than action-based. The library research method was applied. Firstly, all of the song games were studied and then they were classified into different groups containing various themes and topics together with some examples.

**Key terms:** Traditional games, folk songs, song games, vocal songs, performance songs, recreational songs, occasion-based songs.

## **A Comparative Study on the Epic of Koroghlu among the Azeri, Turkman and Turks**

**By: Azadeh Fakhri, M.A**

### **Abstract**

Plethora of epics have been composed across the world based on linguistic and geographical particularities of different societies. The epic of Koroghlu is an epic in Turkish language which covers a vast geographical space and different ethnic groups claims its ownership and present their own evidences to prove their claim. However, researches show that the epic of Koroghlu is famous in different corners of world from east Europe to Caucasus, Iran, Afghanistan, Central Asia and South Siberia among Turks, Azeris, Kurds, Armenians, Georgians, Aghazs, Lezgis, Kazakhs, Raza, Kakatuzs, Isoors, Ajars, Turkmens, Uzbeks, Karapapaghs, Afghans, Arabs in Central Asia, Tatars, etc. The present study compares the epic of Koroghlu in three dialects namely Azeri, Turkish and Turkmen to find out similarities and differences among these three versions of the same epic.

**Key terms:** Epic, Koroghlu, Iran, Azerbaijan, Turkey.

## **Roles of Women in Creation and Durability of Iranian Stories**

**By: Ameneh Ebrahimi, Ph.D.**

### **Abstract**

Studying the history of Persian literature especially the folklore, one can focus on the roles of women which is often ignored in the history of the social life and such an attention can illuminate the vital roles played by women as half of the population of every society in terms of creating the cultural history. Across the centuries, women as the narrators of stories at houses have played a great role in vocal transfer of culture and folklore from one generation to the next. This role is so prominent that some researchers assert that vocal literature is solely controlled by women and the written literature by men. The library research method was applied to collect data. Results of the study show that women as teachers, identity-makers, and psychotherapists have always played a vital role in creation of socio-cultural space of their own time and transferring cultural values form one generation to the next one. The present study does not focus on negating roles of men in the cultural sphere of Iran but it accentuates on the roles played by women in the establishment of culture and folklore.

**Key terms:** Women, folklore, story.